

طرف‌های مقابل بدهد تا آنها تحریم‌های آمریکا علیه ایران را جدی بگیرند و اعمال کنند و از طرف دیگر خیلی هزینه زیادی برای ابرقدرتی مانند آمریکا است که در شورای امنیت موضوعی را مطرح کند و نه نتیجه نرسد که در همان جلسه همه علیه آن صحبت کنند. با نظام بازگشت قطعنامه‌ها (والیته همچنین بازگشت اقدامات تقابلی «FATF»)) این هزینه به طور کامل از دوش آمریکایی می‌داشته می‌شود.

■ **یعنی معتقدید دستوردهای غیر اقتصادی برجام فشارهای سیاسی را از دوش ایران برداشته است به این مفهوم که اگر مذاکره و برجام نبود همان اتفاقات باشد بیشتی ادامه پیدا می‌کرد و سوای تحریم‌های آمریکایی، کشورهای دیگر هم نظام تحریمی خود را برقرار می‌کردند.** بنابراین با وجود تأمین نشدن منافع اقتصادی این ادله مزیت حیات برجام را در قیاس با فقدان آن برای ایران سنگین تری کند؟

بله؛ اگر برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ نبود جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی ایران این نبود. اگر ایران کاملاً کشوری تحت چند قطعنامه فصل هفتمی شورای امنیت بود، شما مطمئن باشید که در آن صورت خبری از مشارکت ایران در فرآیند مذاکرات آستانه، اتحادیه اوراسیا و مراودات جدی امروزی ایران با پیمان شائگهای نبود. در محافل بین‌المللی با ایران کار نمی‌کردند. آن وقت حتی دست‌بخش نظامی ما بسیار بسته‌تر بود. ترامپ چند وقت پیش (البته در انتقاد از برجام) اعتراف کرد این چه توافق بدی است که بر اساس آن ایران «مجاز» به آزمایش موشک‌های بالستیک است؛ یعنی رسماً به زبان آورده که طبق برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ چیزی وجود ندارد که آزمایش موشک‌های بالستیک برای ایران ممنوع شود. براین هوک هم چنین اعترافی کرد.

■ **این وجهی از برجام است که در داخل کشور نادیده گرفته می‌شود.**

بله، بودند دوستانی که باور نمی‌کردند برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ ممنوعیتی در زمینه فعالیت‌های موشکی ایران نداشته باشد. آن زمان زیاد می‌شنیدیم که کسانی مدعی می‌شدند حتماً برجام ضوابط محرمانه‌ای دارد که در آن به بحث موشکی پرداخته شده است و فعالیت‌های موشکی یا منطقه‌ای ایران طبق آن ممنوع شده است؛ یعنی آن زمان چنین تصور می‌شد. ولی گذشت زمان و واقعیت‌ها را ثابت کرد. ایران آزمایش‌های متعدد موشکی هم انجام داد و هیچ اقدامی در شورای امنیت در این باره علیه ایران صورت نگرفت. کشوری را که تحت قطعنامه‌های فصل هفتم باشد در مراودات بین‌المللی بازی نمی‌دهند. فرایند آستانه‌ای که در یکی از قطعنامه‌های شورای امنیت از آن یاد شد و رسمیت داده شد، الان این طور موفق کار می‌کند. اگر ما کشوری بودیم کاملاً ذیل قطعنامه‌های فصل هفتم شورای امنیت، از نظر این شورا به عنوان تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی مورد شناسایی قرار می‌گرفتیم آیا کسی با ما کار می‌کرد و می‌توانستیم در ژنو با کشورهای دیگر درباره فرآیند صلح در سوریه صحبت کنیم؟ بنابراین بسیاری از دستاوردها ناشی از گسستن زنجیرهای شورای امنیت است.

■ **گام پنجم و نهایی هم اخیراً برداشته شد. فکری کنید که روند متوقف کردن تعهدات برجامی تا چه اندازه می‌تواند به نفس گفت و گوهای ایران با کشورهای منظومه غرب پیرامون توافق لطمه بزند؟**

این مسأله تا حد زیادی به عقلانیت طرف مقابل بستگی دارد. از نظر فنی اقداماتی که ما انجام دادیم و گام‌هایی که برداشتیم، اتفاقاً در جهت زنده نگه داشتن برجام است. دیدگاه ایران این است که برجام سندی است که بر توازن داده‌ها و ستانده‌ها تنظیم شده است و قابل انکار نیست که از زمان خروج آمریکا توازن آن به هم خورده و نفع اقتصادی ایران از این سندان طوری که باید باشد نیست. حالا ما معتقدیم بر اساس اجازهای که در بند ۳۶ برجام پیش‌بینی شده، چون طرف‌های مقابل برای بازگرداندن توازن کاری انجام نداده‌اند ما سعی کردیم توازن را به صورت منطقی و گام به گام برگردانیم. الان از نظر ما یک توازن نسبتاً قابل قبول در برجام ایجاد شده است. با گام پنجم، ایران دیگر خود را متعهد به محدودیت‌های هسته‌ای برجامی نمی‌داند و از این پس، هر فعالیت هسته‌ای صلح‌آمیز خود را صرفاً با نگاه به نیازهای فنی کشور در این حوزه برنامه‌ریزی و اجرا خواهد کرد. اما همچنان بخش شفافیت و نظارت‌های برجام (خصوصاً اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی) را دنبال می‌کند. اما آینده همه اینها بسته به عقلانیت و نگاه سازنده طرف‌های مقابل دارد که آنها ضرورت و اهمیت زنده نگه داشتن برجام را درک کنند. تا این لحظه اروپایی‌ها نشان داده‌اند که این درجه عقلانیت را دارند. اما آینده را باید دید.

■ **کشورهای اروپایی از زمان برداشتن گام چهارم ایران، تهدید به استفاده از مکانیسم ماشه کردند؟ آیا اساساً جایگاه بهره‌گیری از چنین مکانیسمی هستند؟ پیام این تهدید برای ایران چیست؟ خصوصاً با توجه به نشست قبلی کمیسیون مشترک برجام در وین.**

در آخرین نشست کمیسیون مشترک که همه طرف‌ها از جمله اروپایی‌ها مکرراً بر ضرورت حفظ برجام تأکید داشتند و صراحتاً ریشه بحران کنونی را در اقدامات

برجام همین حالا هم چار چوب

و سنگ بنای محکمی برای

روابط سیاسی و اقتصادی ما

با بسیاری از کشورها است.

وقتی می‌گوییم برجام، منظور

کارکرد آن به عنوان راه حلی

است که قطعنامه‌های شورای

امنیت را و پرونده پی.ام.دی

در آژانس را از میان برداشت

و بدون این مهم، زمینه زیادی

برای همکاری و تعامل با

کشورهای دیگر متصور نبود.

از یاد نبریم یک وقت است

کشورهای جهان، شرکت‌ها،

بانک‌هایشان و افراد حقیقی

و حقوقی شان تحت فشار

امریکا قرار می‌گیرند تا با ایران

کار نکنند

امریکا دانستند. هیچ حرفی از مکانیزم ماشه و بازگرداندن قطعنامه‌ها هم نزدند. آن اشاراتی که در فضای سیاسی و رسانه‌ای به توسل به مکانیسم حل و فصل اختلافات برجام شده هم الزاماً به معنی اینکه این مسیر را تا انتها بروند و به مکانیسم ماشه برسند نیست. هر چند این حرف‌ها تا همین جاب هم از نظر ما غیرسازنده و محکوم است. موضع صریح ایران که رسماً اعلام شده، این است که مکانیزم ماشه با خروج آمریکا از برجام و بی‌عملی اروپایی‌ها در بازگرداندن توازن به برجام، دیگر از نظر حقوقی مُرده است. بگذارید منطق این مکانیزم را توضیح بدهم تا معلوم شود چرا می‌گوییم این مکانیزم دیگر قابل استفاده نیست. این موضوع مکانیسم ماشه اصولاً موجب سوء برداشت‌های زیادی در داخل ایران هم شده بود و اینکه اصلاً چرا چنین مکانیسمی در برجام هست. در برجام، که مبتنی بر بی‌اعتمادی متقابل بود، همواره این فرض وجود داشت که یکی از طرفین، به تعهدات خود عمل نکند و تخلف کند. آنها به ایران مظنون بودند و ایران به آنها. لذا چیدمان برجام بر این اساس صورت گرفت که در صورت نقض تعهد از سوی یک طرف، طرف مقابل هم به لحاظ عینی و هم به لحاظ حقوقی و سیاسی قادر باشد وضعیت را به وضعیت قبل از برجام اعاده کند. از سوی ما، این امر کاملاً محقق بود. یعنی ایران هرگز هیچ تعهد حقوقی

بین‌المللی را نپذیرفت (تمام تعهدات هسته‌ای ایران در برجام، همراه با فیدیهایی از قبیل «به صورت داوطلبانه» یا مشابه آن هستند) و به لحاظ عملی هم، اگر ایران در برابر بدعهدی طرف‌های مقابل (که بعدها همین هم شد) می‌خواست برنامه هسته‌ای خود را به حالت قبل از برجام اعاده کند، می‌توانست به صورت کاملاً یکجانبه و فوری این امر را صورت دهد. یعنی برای ایران، بازگشت به وضعیت قبل از برجام، کاملاً در اختیار خودش بود و با تصمیم داخلی خودش صورت می‌گرفت. کم‌اینکه همین اتفاق هم افتاد و ایران مشکلی برای بازگشت به وضع سابق و حتی جلوتر از وضع سابق ندارد. اما این توازن در سوی مقابل وجود نداشت. چون بالغو قطعنامه‌ها، اگر (از منظر آنها) ایران بدعهدی می‌کرد، آنها لااقل برای اعاده قطعنامه‌های شورای امنیت مشکل داشتند و ممکن بوده دیواروتی احتمالی مثلاً روسیه بخورند. غربی‌ها قطعنامه‌های قبلی را در یک فضای خاص بین‌المللی و با همراه کردن چین و روسیه گرفته بودند و نمی‌توانستند مطمئن باشند که بتوانند باز هم موفق شوند. لذا تاجایی که می‌شد مقاومت می‌کردند که قطعنامه‌ها لغو نشود و وقتی که در این مسیر توفیق پیدا نکردند، توافق شد تا همین مکانیسمی که به اسم ماشه معروف شده ایجاد شود. این مکانیسم طراحی شد که آنها در برابر بدعهدی احتمالی ایران، ابزار متقابلی برای اعاده وضع به حالت قبل داشته باشند و برجام از این منظر متوازن باشد. اما در شرایط فعلی، با توجه به اینکه بدعهدی از ناحیه طرف مقابل بوده و توازن برجام با خروج غیرقانونی آمریکا به شکل جدی برهم خورده، اقدامات ایران اصولاً مصداق خلف وعده و بدعهدی نیست که امکان استفاده از مکانیسم ماشه را به طرف‌های مقابل بدهد. ایران درون برجام و با استفاده از مفاد خود برجام، برخی اقدامات را برای بازگرداندن توازن نسبی به برجام در دستور کار قرار داده است. اینها اصلاً نقض برجام نیست که بتوان در برابر آنها به مکانیزم موسوم به ماشه متوسل شد. اما اگر بر فرض محال، یکی از طرف‌های باقیمانده برجام بخواهد چنین اقدام غیرقانونی و غیرمنطقی را صورت دهد، آن وقت همانطوری که گفته شده، اولاً جنبه‌های نظارتی و شفافیت مثل پروتکل الحاقی دیگر پایان خواهند یافت و از آن مهم‌تر، شاید ایران ناگزیر شود فراتر از برجام فکر کند و حتی مجبور به بازنگری در دکترین‌های کلان خود از جمله دکترین هسته‌ای شود.